

## بازنگری فقهی مصادیق سرقت از حرز

صدیقه حاتمی<sup>۱</sup>

### چکیده

مجازات حد سرقت (قطع دست) در صورتی ثابت است که اولاً شیء ربوده شده ارزش آن معادل چهار دینار و یا بیشتر باشد و ثانیاً شیء از حرز سرقت گردد، مراد از حرز نیز مکان خاص نگهداری هر مال است. میان فقیهان امامیه در مصادیق سرقت از حرز اختلاف نظرانی موجود است که در این پژوهش برآنیم تا با نگاهی فقهی مصادیق را مشخص نموده و اختلاف نظرات موجود میان فقیهان را بازگو و نهایتاً دیدگاه صائب را بیان نماییم. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا مصادیق سرقت از حرز به ویژه مصادیق اختلافی را بیان و با ذکر مبانی فقهی آن ها و تحلیل دیدگاه های مختلف در هر مورد به بیان مصادیق سرقت از حرز پرداخته است.

واژه های کلیدی: حرز - مصادیق سرقت از حرز - اختلاف نظرات - مبانی فقهی

<sup>۱</sup>. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران. se.hatami@ilam.ac.ir

## Jurisprudential review of cases of theft of amulets

Sedigheh Hatami<sup>1</sup>

### Abstract

The punishment for theft (hand amputation) is fixed if, firstly, the value of the stolen object is equal to four dinars or more, and secondly, the object is stolen from a charm, meaning a charm is a special place to store any property. There is a difference of opinion among the Imami jurists regarding the cases of theft of amulets. In this research, we aim to identify the cases from a jurisprudential point of view and recount the differences of opinion among the jurists and finally express Saeb's point of view. This research, using a descriptive-analytical method, tries to explain the examples of jewelry theft, especially controversial examples, and by mentioning their jurisprudential bases and analyzing different views in each case, it has explained the examples of jewelry theft.

**Key words:** Amulet - examples of theft of amulets - differences of opinion - jurisprudential foundations

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Iran. se.hatami@ilam.ac.ir

### مقدمه

یکی از جرائم حدی سرقت از حرز می باشد، لذا یکی از شروطی که سب ثبوت مجازات قطع ید در سرقت می گردد، سرقت کالا از حرز مخصوص آن کلاست؛ در برخی از مصادیق سرقت از حرز میان فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد از جمله: سرقت انسان، سرقت میوه، سرقت والدین از فرزندان و یا بعکس سرقت فرزندان از والدین، سرقت مهمان از صاحب خانه، سرقت طلبکار از بدهکار، سرقت زوج و زوجه از یکدیگر، سرقت کفن و محتویات داخل قبر، سرقت مال موقوفه، سرقت مال مستاجر توسط اجیر و سرقت از جیب.

در این پژوهش ابتدا مفهوم حرز تبیین می گردد، سپس مصادیق مشتبه سرقت از حرز به همراه ادله و مستندات هر دیدگاه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد.

### مفهوم حرز

حرز در لغت به معنای طلسم، پناه، ستر، جای استوار و ... است. در لسان العرب و الصحاح حرز به معنای «جایی محکم و استوار و غیر قابل دسترسی است.» (ابن منظور ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۳۳؛ جوهری ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۷۳) و در المصباح نیز با ذکر برخی از مصادیق حرز آن را چنین تعریف نموده است: «حرز چیزی مانند صندوق و همانند آن است که اشیا را در آن نگاه و حفظ می کنند.» (فیومی، ۷۷۰، ج ۲، ص ۱۲۹)

مشهور فقها ملاک تشخیص حرز را به عرف واگذار نموده اند، صاحب جواهر در جواهر الکلام چنین بیان می دارد: «هر چیزی که محرز شود به واسطه قفل بودن یا بسته و یا مدفون بودن در مکانی و هر چیزی همانند اینها که عرف آن را برای آن مال حرز محسوب نماید، زیرا در شرع برای حرز حد و حدود معتبری در نصوص و فتاوا مشخص نشده است.» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۹۹) امام خمینی نیز در تحریر الوسیله حد و حدود حرز را به عرف واگذار نموده است: «در آنچه ربوده می شود، شرط است که در حرز باشد، مثل اینکه در جای قفل شده یا بسته ای باشد یا مدفون باشد یا مالک آن را از نظرها زیر فرشی یا داخل کتابی یا مانند اینها از آنچه عرفاً حرز حساب می شود، پنهان نماید. و آنچه چنین نباشد به سبب آن قطع نمی شود، اگرچه داخل شدن به آن جایز نباشد مگر به اذن مالکش؛ پس اگر چیزی از چیزهای ظاهر را در دکان بازی سرقت کند قطع نمی شود اگرچه دخول در آن جایز نباشد مگر به اذن مالک آن.» (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۵)

ناگفته نماند که عرف مکان خاصی را برای حرز اموال مشخص نکرده است، بلکه برای هر مالی حرز خاصی قائل است، مثلاً حرز حیوان اصطبل است و در صورت سرقت حیوان از اصطبل در بسته، سرقت از حرز محقق شده است، اما اصطبل برای کالای دیگر چون پول، میوه و ... حرز محسوب نمی گردد.

## مصادیق سرقت از حرز

### ۱- سرقت از جیب

گرچه در مورد اینکه آیا سرقت از جیب، سرقت از حرز محسوب می شود یا خیر؟ اقوال مختلفی میان فقیهان امامیه دیده می شود؛ اما دیدگاه مشهور در این مورد تفصیل داده است، بدین شکل که اگر سرقت از جیب رویین باشد، سرقت از حرز محسوب نشده، لذا قطع دست واقع نمی شود و تعزیر ثابت است؛ اما اگر سرقت از جیب داخل باشد، سرقت از حرز محسوب می شود و قطع ید واقع می شود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳؛ شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۹) ادله مشهور به قرار ذیل است:

۱- اجماع: شیخ طوسی در خلاف و ابن زهره در غنیه بر اینکه سرقت از جیب رویین، سرقت از حرز محسوب نشده، اما سرقت از جیب زیرین سرقت از حرز محسوب می شود، ادعای اجماع نموده اند. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۹؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۴۳۳)

۲- روایات: روایاتی که در این مورد وجود دارد، سه دسته‌اند:

أ) روایاتی که دلالت بر قطع دست دارند:

- صحیحہ منصور بن حازم از امام صادق (ع): «يُقَطَّعُ النَّبَّاشُ وَ الطَّرَارُ وَ لَا يُقَطَّعُ الْمُخْتَلِسُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۱، حدیث ۱)

امام صادق (ع) فرمودند: دست شخص طرار و نباش قبر قطع می گردد، اما دست شخص مختلس قطع نمی گردد.

ب) روایاتی که دلالت بر عدم قطع دارند:

- روایت عبد الرحمن بن ابی عبد الله از امام صادق (ع): «لَيْسَ عَلَى الَّذِي يَسْتَلِبُ قَطْعٌ وَ لَيْسَ عَلَى الَّذِي يَطْرُقُ الدَّرَاهِمَ مِنْ ثُوبِ الرَّجُلِ قَطْعٌ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۰، حدیث ۱)

امام صادق (ع) فرمودند: دست مستلب و کسی که درهم را از لباس سرقت کند، قطع نمی شود.

صحیحہ عیسیٰ بن صبیح از امام صادق (ع): «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الطَّرَارِ وَ النَّبَاشِ وَ الْمُخْتَلِسِ قَالَ لَا يُقَطَّعُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۷۱، ح ۴)

از امام صادق (ع) در مورد شخص طرار، نباش قبر و مختلس پرسیدم، ایشان فرمودند: دستشان قطع نمی گردد.

(ج) روایاتی که قائل به تفصیل شده اند:

روایت سکونی از امام صادق (ع): «أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ بَطْرَارٍ قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ قَالَ إِنْ كَانَ طَرٌّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعُهُ وَ إِنْ كَانَ طَرٌّ مِنْ قَمِيصِهِ السَّافِلِ قَطَعْتُهُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۷۰، حدیث ۲)

امام صادق (ع) فرمودند: سارقی را که از جیب کسی چند درهم سرقت کرده بود، نزد امیرالمؤمنین آوردند، امام فرمودند: اگر از جیب رویین سرقت نموده، دست وی را قطع نمی کنم و اگر از جیب داخل سرقت نموده، دست او را قطع می کنم.

لذا روایات دسته سوم تعارض دو دسته دیگر را رفع می نمایند؛ بدین صورت که روایاتی که مطلقاً نظر به قطع دارند، حمل بر جیب داخل می شوند و روایاتی که مطلقاً نظر به عدم قطع ید دارند، حمل بر جیب اعلی می شود.

## ۲- سرقت والدین از فرزند

در صورت سرقت پدر از اموال فرزند حتی اگر تمام شرایط سرقت از حرز نیز محرز باشد، مجازات قطع ید اجرا نمی گردد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۳) و در این مورد چنانچه شیخ طوسی نیز اذعان داشته میان فقها خلافتی وجود ندارد. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۸) این حکم را می توان به سرقت جدپدری از نوه ها تعمیم داد و حد را در مورد وی ساقط نمود. در این مورد می توان به ادله زیر استناد نمود:

۱- اجماع: صاحب جواهر در این مورد ادعای اجماع به هر دو نحو محصل و منقول نموده است. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۷۸)

۲- روایات: در این مورد می توان به چند روایت استناد نمود:

- محمد بن مسلم از امام صادق (ع): «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَاجُ إِلَى مَالِ ابْنِهِ قَالَ يَأْكُلُ مِنْهُ مَا شَاءَ مِنْ غَيْرِ سَرَفٍ وَقَالَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع أَنَّ الْوَلَدَ لَا يَأْخُذُ مِنْ مَالِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَالْوَالِدَ يَأْخُذُ مِنْ مَالِ ابْنِهِ مَا شَاءَ وَلَهُ أَنْ يَقَعَ عَلَى جَارِيَةِ ابْنِهِ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْإِبْنُ وَقَعَ عَلَيْهَا وَذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِرَجُلٍ أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۶۲، حدیث ۱)

از امام صادق (ع) در مورد شخصی سوال کردم که نیاز به مال فرزندش پیدا می کند، امام فرمود: تا آنجا که اسراف نکند می تواند مال فرزندش را مصرف کند. در کتاب امام علی (ع) آمده است که فرزند باید با اجازه پدر از اموال او بردارد اما پدر هر چه بخواهد می تواند از اموال فرزندش بردارد و حتی می تواند با جاریه فرزندش نزدیکی کند به شرط آنکه فرزندش با او نزدیکی کرده باشد. پیامبر به شخصی فرمود که تو و اموالت متعلق به پدرت می باشید.

- صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع): «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ قَذَفَ ابْنَهُ بِالزَّانَا قَالَ لَوْ قَتَلَهُ مَا قَتَلْتَهُ بِهِ وَإِنْ قَذَفَهُ لَمْ يُجْلَدْ لَهُ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۱۹۶، حدیث ۱)

محمد بن مسلم گوید از امام باقر (ع) درباره مردی که به پسرش نسبت زنا داده و او را قذف کرده است پرسیدم، حضرت فرمودند: اگر پدری فرزندش را به قتل برساند، در برابر خون او کشته نمی شود، پس اگر او را قذف کند، در مقابل او را تازیانه نمی زنند.

۳- قیاس اولویت: یکی دیگر از ادله این حکم قیاس اولویت است، یعنی چنانچه در صورت قتل فرزند توسط پدر قصاص صورت نمی گیرد، در صورت سرقت مال فرزند توسط پدر به طریق اولی اجرای حد جایز نخواهد بود.

در پایان ذکر این نکته لازم است که این حکم مختص پدر است و در صورت سرقت مادر از فرزند، در صورت احراز شرایط سرقت از حرز، حد قطع ید جاری می گردد. اما برخی از فقها مادر را نیز یکی از ابویین به حساب آورده اند و وی را از نظر وجوب احترام با پدر یکسان می دانند، لذا در صورت سرقت مال فرزند، حد را بر وی جاری نمی دانند. (ابوصلاح حلبی، ص ۴۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۴۵)

### ۳- سرقت فرزندان از والدین

در صورت سرقت فرزند از اموال والدین در صورتی که شرایط سرقت از حرز محرز شده باشد، مجازات قطع ید اجرا می گردد و در این مورد میان فقها اتفاق نظر وجود دارد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳؛ شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۸) ناگفته نماند که در این مورد اجداد، خواه پدری، خواه مادری و خواه پدری و مادری در حکم والدین هستند و سرقت از آن ها نیز در صورت احراز شرایط سرقت از حرز موجب قطع ید می گردد. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۸)

در این مورد می توان به ادله زیر استناد نمود:

۱- آیه ۳۸ سوره مائده: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

۲- اجماع: شیخ طوسی در خلاف در این مورد ادعای اجماع نموده است. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۸)

ترجمه: دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست.

۳- روایات: روایاتی که دلالت بر قطع ید در صورت سرقتی مالی که ارزش آن معادل چهار دینار و یا بیشتر است، بر فرض مسئله دلالت دارد.

### ۴- سرقت از اماکن عمومی

سرقت از اماکن عمومی چون مسجد، حمام، کاروان سراها، مترو و ... سرقت از حرز محسوب نمی گردد، لذا مجازات قطع ید نیز بر آن بار نمی گردد؛ مگر اینکه اموال در مکان خاصی از این اماکن قفل و یا دفن شده باشد که در این صورت سرقت از حرز محسوب شده و موجب قطع ید می گردد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳)

### ۵- سرقت طلبکار از بدهکار

یکی دیگر از مواردی که سرقت از حرز محسوب نشده و موجب قطع ید نمی گردد، سرقت شخص طلبکار به مقدار طلبش از اموال بدهکار است که در این مورد حتی اگر مال را از حرز و به ارزش چهار دینار و یا بیشتر سرقت نمایید، مجازات قطع ید را نخواهد داشت. زیرا طلبکار به مقدار حق خود برداشته و فی الواقع مال مسروق از اموال وی محسوب می گردد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳)

### ۶- سرقت از داخل قبر

از دیگر مواردی که فقها در مبحث سرقت از حرز مفصلاً در مورد آن بحث نموده اند، سرقت محتویات قبر است. در این مورد می توان چنین تفصیل نمود که میان فقها اتفاق نظر وجود دارد که نبش قبر و سرقت کفن، سرقت از حرز محسوب می گردد، لذا سرقت از آن موجب مجازات قطع دست می گردد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۴۴۷؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۴۲)

وجود روایات مختلف در این مورد سبب شده است که در مورد اینکه نصاب هم باید رعایت شود یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد؛ گروهی از فقها مانند شیخ مفید، سلار، ابن زهره و ابن حمزه نصاب را لازم می دانند زیرا وقتی نباش حکم سارق را داشته باشد مقررات سارق نیز بر او بار خواهد شد. گروهی دیگر از فقها چون شیخ طوسی و علامه حلی رعایت نصاب را لازم نمی دانند و معتقدند در هر صورت دست کسی که نبش قبر می کند قطع می شود. در این مورد می توان به روایات ذیل استناد نمود:

- روایت حفص بن بختری از امام صادق (ع): «حَدَّثَ النَّبَّاشُ حَدَّ السَّارِقِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ۲۷۹، حدیث ۱)

امام صادق (ع) فرمودند: حد کسی که نبش قبر می کند حد سارق است.

- عبدالله بن محمد جعفی از امام باقر (ع): «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَ وَ جَاءَهُ كِتَابُ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي رَجُلٍ نَبَشَ امْرَأَةً فَسَلَبَهَا ثِيَابَهَا ثُمَّ نَكَحَهَا فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اخْتَلَفُوا عَلَيْنَا طَائِفَةٌ قَالُوا اقْتُلُوهُ وَ طَائِفَةٌ قَالُوا أَحْرِقُوهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ عَ إِنَّ حُرْمَةَ الْمَيِّتِ كَحُرْمَةِ الْحَيِّ تُقَطَّعُ يَدُهُ لِنَبْشِهِ وَ سَلْبِهِ الثِّيَابِ وَ يُقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ فِي الزَّانَا إِنْ أَحْصِينَ رَجْمَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَحْصِينَ جُلِدَ مِائَةً.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۸، حدیث ۲)

جعفی گوید نزد امام باقر (ع) بودم که نامه هشام بن عبدالملک به دست او رسید. در این نامه آمده بود که مردی قبر یک زن را می شکافت و لباس او را می دزدید و با او زنا می کند، فقها در این مسئله اختلاف نظر دارند. گروهی می گویند او را بسوزان. امام (ع) در پاسخ نوشت: حرمت مرده همانند حرمت زنده است پس دست او به خاطر نبش قبر و دزدیدن لباس قطع می شود و به خاطر زنا حد می خورد.

- ابی جارود از امام باقر (ع): «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ يُقَطَّعُ سَارِقُ الْمَوْتَى كَمَا يُقَطَّعُ سَارِقُ الْأَحْيَاءِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۰، حدیث ۴)

ترجمه: امام باقر (ع) از حضرت علی (ع) چنین روایت کرده است: سارق مردگان همانند سارق زندگان دستش قطع می گردد.

- زید الشحام از امام صادق (ع): «أَخِذْ نَبَّاشٌ فِي زَمَنِ مُعَاوِيَةَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ مَا تَرَوْنَ فَقَالُوا نُعَاقِبُهُ وَ نُحَلِّي سَبِيلَهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ مَا هَكَذَا فَعَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ وَ مَا فَعَلَ قَالَ: قَالَ يَقَطَّعُ النَّبَّاشُ وَ قَالَ هُوَ سَارِقٌ وَ هَتَاكَ لِلْمَوْتَى.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۸، حدیث ۵)

- ۱۴۰۱/۱۲/۱۹ تمدید شد
- منصور بن حازم از امام صادق (ع): «يُقَطَّعُ النَّبَاشُ وَ الطَّرَارُ وَ لَا يُقَطَّعُ الْمُخْتَلِسُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۰، حدیث ۷)
  - عبدالرحمن العرزمی از امام صادق (ع): «أَنَّ عَلِيًّا عَ قَطَعَ نَبَاشًا.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۱، حدیث ۹)
  - عیسی بن صبیح از امام صادق (ع): «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الطَّرَارِ وَ النَّبَاشِ وَ الْمُخْتَلِسِ قَالَ يُقَطَّعُ الطَّرَارُ وَ النَّبَاشُ وَ لَا يُقَطَّعُ الْمُخْتَلِسُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۱، حدیث ۱۰)
  - علی بن سعید از امام صادق (ع): «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَحْذَى وَ هُوَ يَنْبِشُ قَالَ لَا أَرَى عَلَيْهِ قِطْعًا إِلَّا أَنْ يُؤْخَذَ وَ قَدْ نَبَشَ مِرَارًا فَأَقْطَعُهُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۱، حدیث ۱۱)
  - علی بن سعید از امام صادق (ع) روایت می کند که از او در مورد شخصی سوال کردم که نبش قبر کرده است. امام فرمود: دست او قطع نمی شود مگر اینکه مالی برداشته و چند بار مرتکب نبش قبر شده باشد، در این صورت دست او قطع می شود.
  - علی بن سعید از امام صادق (ع): «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ النَّبَاشِ قَالَ إِذَا لَمْ يَكُنِ النَّبِشُ لَهُ بِعَادَةٍ لَمْ يُقَطَّعْ وَ يُعَزَّرُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۱، حدیث ۱۳)
  - علی بن سعید گوید حکم نبش قبر کننده را از امام صادق (ع) سوال کردم، امام فرمود: اگر نبش قبر کردن عادت او نباشد دستش قطع نمی شود بلکه تعزیر می شود.
  - فضیل از امام صادق (ع): «عَنِ الطَّرَارِ وَ النَّبَاشِ وَ الْمُخْتَلِسِ قَالَ لَا يُقَطَّعُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۲، حدیث ۱۴)
  - فضیل از امام صادق (ع) در مورد طرار و نباش و مختلس سوال کرده و امام می فرماید: دست آنان قطع نمی شود.
  - فضیل از امام صادق (ع): «النَّبَاشُ إِذَا كَانَ مَعْرُوفًا بِذَلِكَ قُطِعَ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۲، حدیث ۱۵)
  - اما سرقت سایر اموال داخل قبر غیر از کفن، سرقت از حرز محسوب نمی گردد و موجب ثبوت قطع ید نمی گردد، به دلیل اصل. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۴۱)

### ۷- سرقت میوه از باغ

برخی از فقها سرقت میوه از بستان را به صورت کلی سرقت از حرز محسوب ننموده و آن را موجب قطع ید نمی دانند، خواه به ارزش ربع دینار باشد و خواه بیشتر از آن. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۴۴۹) اما به طور کلی حکم سرقت میوه از باغ را می توان چنین

تفصیل داد که اگر میوه از درخت چیده شده باشد و در صندوق باشد، قطع ید ثابت است زیرا صندوق برای میوه حرز محسوب می شود؛ اما اگر میوه روی درخت در باغ محصور باشد، قطع ید ثابت نیست زیرا حرز محسوب نمی شود و نهایتاً اگر میوه روی درخت در باغ غیر محصور باشد، در این مورد نیز قطع ید ثابت نیست. با استناد به روایات ذیل:

- صحیح فضل بن سيار از امام صادق (ع): «إِذَا أَخَذَ الرَّجُلُ مِنَ النَّخْلِ وَالزَّرْعِ قَبْلَ أَنْ يُصْرَمَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَطْعٌ فَإِذَا صُرِمَ النَّخْلُ وَ حَصِدَ الزَّرْعُ فَأَخَذَ قُطِعَ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۷، حدیث ۴)

فضیل بن یسار از امام صادق (ع) چنین روایت کرده است: هرگاه شخصی از درخت خرما و مزرعه، میوه ای را قبل از آنکه قطع شود ببرد دست او قطع نمی شود اما اگر میوه چیده شود و کشت و درو گردد و چیزی از آن سرقت شود، دست قطع می شود.

- روایت اصبع بن نباته از امیر المؤمنین (ع): «لَا يُقَطَّعُ مَنْ سَرَقَ شَيْئاً مِنَ الْفَاكِهَةِ وَإِذَا مَرَّ بِهَا فَلْيَأْكُلْ وَلَا يُفْسِدْ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۷، حدیث ۵)

اصبع از امام علی (ع) چنین روایت کرده است: هر کس میوه ای را سرقت کند دستش قطع نمی شود و اگر از آن محل عبور کرد باید بخورد اما آن را از بین نبرد.

- روایت سکونی از امام صادق (ع): «قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَرَقِ الثَّمَارِ فِي كُمَّهِ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ - وَ مَا حَمَلَ فَيُعَزَّرُ وَ يُعْرَمُ قِيمَتَهُ مَرَّتَيْنِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۶)

- روایت سکونی از امام صادق (ع): «لَا قَطْعَ فِي ثَمَرٍ وَلَا كَثْرٍ وَ الْكَثْرُ شَحْمُ النَّخْلِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۶، حدیث ۳)

- روایت سکونی از امام صادق (ع): «قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَرَقِ الثَّمَارِ فِي كُمَّهِ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مَا حَمَلَ فَيُعَزَّرُ وَ يُعْرَمُ قِيمَتَهُ مَرَّتَيْنِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۶، حدیث ۲)

پیامبر (ص) در مورد شخصی که میوه را در غلاف آن سرقت کرده بود چنین قضاوت کرد که آنچه را که خورده است مسئولیتی نسبت به آن ندارد و برای آنچه که برده است تعزیر می شود و باید دو برابر قیمت آن را بپردازد.

- وصیت پیامبر (ص) به امام علی (ع): «يَا عَلِيُّ لَا قَطْعَ فِي ثَمَرٍ وَلَا كَثْرٍ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۷، حدیث ۶)

ای علی برای سرقت میوه دست قطع نمی شود.

- اسحاق بن عمار از امام صادق (ع): «فِي رَجُلٍ سَرَقَ مِنْ بُسْتَانٍ عِدْقاً قِيمَتُهُ دِرْهَمَانٍ قَالَ يُقَطَّعُ بِهِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۷، حدیث ۷)

- ابی بختری از جعفر بن محمد از پدرش (ع): «لَا قَطْعَ فِي شَيْءٍ مِنْ طَعَامٍ غَيْرِ مَفْرُوعٍ مِنْهُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۷، حدیث ۸)

## ۸- سرقت اجیر از مستاجر

در صورت سرقت مال مستاجر توسط اجیر، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد:

الف) عدم قطع ید: برخی از فقها معتقدند که در این مورد حکم قطع ید ثابت نمی باشد، زیرا آنچه که در نزد اجیر است نسبت به وی حرز ندارد؛ بلکه این موارد از مصادیق خیانت در امانت می باشند. در این مورد می توان به چند روایت به قرار ذیل استناد نمود:

- روایت سلیمان بن خالد از امام صادق (ع): «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَأْجِرُ أَجِيرًا فَيَسْرِقُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى تَقَطَعَ يَدُهُ - فَقَالَ هَذَا مُؤْتَمَنٌ لَيْسَ بِسَارِقٍ هَذَا خَائِنٌ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۲، حدیث ۳)

- روایت سماعه از امام صادق (ع): «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَأَخَذَ الْأَجِيرُ مَتَاعَهُ فَسَرَقَهُ فَقَالَ هُوَ مُؤْتَمَنٌ ثُمَّ قَالَ الْأَجِيرُ وَالضَّيْفُ أَمْنَاءٌ لَيْسَ يَفْعُ عَلَيْهِمْ حَدُّ السَّرِقَةِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۲، حدیث ۴)

- صحیح حلی از امام صادق (ع): «فِي رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا وَ أَفْعَدَهُ عَلَى مَتَاعِهِ فَسَرَقَهُ - قَالَ هُوَ مُؤْتَمَنٌ الْحَدِيثُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۲، حدیث ۱)

- صحیح سکونی از امام صادق (ع): «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَرْبَعَةٌ لَا قَطْعَ عَلَيْهِمُ الْمُخْتَلِسُ وَالْغُلُولُ - «۳» وَ مَنْ سَرَقَ مِنَ الْغَنِيمَةِ - وَ سَرِقَهُ الْأَجِيرُ فَإِنَّهَا خِيَانَةٌ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۲، حدیث ۲)

- روایت امام صادق (ع): «لَا يَقْطَعُ الْأَجِيرُ وَالضَّيْفُ إِذَا سَرَقَا لِأَنَّهُمَا مُؤْتَمَنَانِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۳، حدیث ۵)

چنانچه از روایات مشخص است اجیر امین محسوب می گردد و دست وی بخاطر سرقت از اموال مستاجر قطع نمی گردد.

ب) قطع ید: گروه دیگر از فقها معتقدند در صورت سرقت مال مستاجر توسط اجیر، با احراز شرایط سرقت از حر، مجازات قطع ید در مورد وی اجرا می گردد. زیرا مشمول ادله عمومی حد سرقت هستند و روایت های که خلاف این نظریه را می گویند حمل بر موردی می شوند که مال در حرز قرار نگرفته باشد و آن دو امین محسوب شده باشند. (صاحب جواهر، ۱۴۱۰، ج ۴۱، ص ۴۹۲)

## ۹- سرقت مهمان از صاحب خانه

در صورت سرقت مال صاحب خانه توسط مهمان، حکم قطع ید ثابت نمی باشد، زیرا آنچه که در نزد مهمان است، نسبت به وی حرز ندارد؛ بلکه این موارد از مصادیق خیانت در امانت می باشند. (شیخ طوسی، نهاییه، ۱۴۰۰، ص ۷۱۷؛ ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۴۷) به دلیل:

۱- اجماع: ابن ادریس در این مورد ادعای اجماع نموده است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۸۸)

۲- روایات: در این مورد می توان به دو روایت استناد نمود:

- روایت امام صادق (ع): «لَا يُقْطَعُ الْأَجِيرُ وَالضَّيْفُ إِذَا سَرَقَا لِأَنْهُمَا مُؤْتَمَنَانِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۳، حدیث ۵)

- صحیح محمد بن قیس از امام باقر (ع): «الضَّيْفُ إِذَا سَرَقَ لَمْ يُقْطَعْ وَإِذَا أَضَافَ الضَّيْفُ ضَيْفًا فَسَرَقَ قُطِعَ الضَّيْفُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۷۵، حدیث ۱)

### ۱۰- سرقت زوجین از یکدیگر

بسیاری از فقها بدون اینکه تفصیل خاصی در این مورد قائل شده باشد، سرقت زوج و زوجه از یکدیگر را در صورت شکستن حرز موجب قطع ید می دانند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۰۳؛ شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۸) اما اگر زوجه به اندازه نفقه اش از اموال زوج بردارد، سرقت محسوب نمی شود، حتی اگر حرز را شکسته باشد. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۹۲)

در این مورد می توان به ادله زیر استناد نمود:

۱- اجماع: شیخ طوسی در خلاف در این مورد ادعای اجماع نموده است. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۹)

۲- آیه ۳۸ سوره مائده: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

ترجمه: دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست.

۳- روایت پیغمبر: زنی به نام هند به پیامبر (ص) عرض کرد: «ابو سفیان مرد لثیمی است و به من و فرزندم چیزی نمی دهد؛ مگر آنچه که به صورت پنهانی و در حالیکه او نمی داند از مالش بر می دارم، آیا بر من گناهی هست؟» پیامبر فرمودند: آنچه کفاف تو و فرزندت را می دهد، در حد متعارف بردار.» (سنن بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۴۶۶)

## ۱۱- سرقت انسان

در مورد اینکه آیا سرقت انسان اولاً سرقت محسوب می شود یا خیر؟ و اینکه بر فرض سرقت بودن، آیا مجازات آن قطع ید است یا خیر؟ و اینکه بر فرض ثبوت مجازات قطع ید، به واسطه عنوان جرم سرقت بودن است یا فساد فی الارض؟ میان فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد:

أ) آدم ربایی سرقت است و مجازات آن قطع ید است: گروهی از فقها معتقدند که آدم ربایی سرقت محسوب می شود و مجازات آن نیز قطع دست است، از جمله شیخ طوسی در مبسوط که آدم ربایی را سرقت و مجازات آن را قطع ید قرار داده است. (طوسی، مبسوط، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۱)

در این مورد می توان به روایات ذیل استناد نمود:

- روایت عبدالله بن طلحه از امام صادق (ع): «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ يَبِيعُ الرَّجُلَ وَ هُمَا حُرَّانِ يَبِيعُ هَذَا هَذَا وَ هَذَا هَذَا وَ يَفْرَأَنِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ فَيَبِيعَانِ أَنْفُسَهُمَا وَ يَفْرَأَنِ بِأَمْوَالِ النَّاسِ قَالَ تُقَطَّعُ أَيْدِيهِمَا لِأَنَّهُمَا سَارِقَا أَنْفُسِهِمَا وَ أَمْوَالِ النَّاسِ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۳، حدیث ۳)

از امام صادق (ع) در مورد مردی که دیگری را می فروشد سوال کردم درحالیکه هر دو حر بودند؛ هر یک از آنان دیگری را فروخته و سپس از شهری به شهر دیگر می گریزند و به این ترتیب یکدیگر را فروخته و اموال مردم را گرفته و فرار می کنند، امام فرمودند: دست آنها قطع می گردد؛ زیرا آنان سارق خود و اموال مردم هستند.

- روایت سکونی از امام صادق (ع): «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَتَى بِرَجُلٍ قَدْ بَاعَ حُرًّا فَقَطَّعَ يَدَهُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۳، حدیث ۲)

مردی را نزد امام علی (ع) آوردند که انسان آزادی را فروخته بود، امام دستش را قطع نمود.

- روایت طریف بن سنان از امام جعفر بن محمد (ع): «سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ عَنْ رَجُلٍ سَرَقَ حُرَّةً فَبَاعَهَا قَالَ فَقَالَ فِيهَا أَرْبَعَةُ حُدُودٍ أَمَّا أَوْلَاهَا فَسَارِقٌ تُقَطَّعُ يَدُهُ وَ الثَّانِيَةُ إِنْ كَانَ وَطِنُهَا جُلْدَ الْحَدِّ وَ عَلَى الَّذِي اشْتَرَى إِنْ كَانَ وَطِنُهَا [وَقَدْ عَلِمَ] إِنْ كَانَ مُحْصَنًا رُجْمًا وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ مُحْصَنٍ جُلْدَ الْحَدِّ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهَا هِيَ إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهَا وَ إِنْ كَانَتْ أَطَاعَتْهُ جُلِدَتْ الْحَدَّ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۲۸۳، حدیث ۱)

ظریف از سنان ثوری نقل کرده که گفت: از جعفر بن محمد (ع) سوال کردم: حکم مردی که زن حری را سرقت نموده و فروخته است چیست؟ فرمودند: در اینجا چهار حد باید اجرا شود، اما اول آنها: سارق است؛ با این سرقت باید انگشتان دستش قطع شود ...

ب) آدم ربایی فساد فی الارض است و مجازات آن قطع ید است: گروهی از فقها نیز معتقدند که آدم ربایی جرم فساد فی الارض محسوب می شود و مجازات آن نیز قطع دست است. از جمله شیخ طوسی در نهاییه که آدم ربایی را جرم فساد فی الارض محسوب نموده و مجازات آن را قطع ید قرار داده است. (طوسی، نهاییه، ۱۴۰۰، ص ۷۲۲؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۲) ایشان در این مورد چنین استدلال می کند که انسان آزاد ارزش مالی ندارد، حال آنکه یکی از شرایط احراز سرقت از حرز، سرقت مالی به قیمت چهار دینار و یا بیشتر است. (همان)

ت) آدم ربایی جرم سرقت محسوب می شود ولی مجازات آن قطع ید نیست: گروهی از فقها نیز معتقدند که آدم ربایی سرقت محسوب می شود ولی مجازات آن نیز قطع دست نیست، از جمله شیخ طوسی در خلاف که آدم ربایی را جرم سرقت محسوب نموده ولی اذعان داشته که مجازات آن قطع ید نیست. دلیل این قول را ۱- اجماع دانسته است. ۲- روایاتی که دلالت دارند بر اینکه قطع ید فقط در صورتی اجرا می گردد که ارزش مال مسروقه ربع دینار و یا بیشتر باشد، لذا یکی از شرایط سرقت مستوجب حد، سرقت مالیست که ارزش آن حداقل ربع دینار باشد، حال آنکه انسان آزاد مالیت ندارد، لذا ارزش مالی ندارد. (طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۲۸)

### ۱۲- سرقت مال موقوفه

سرقت مال موقوفه نیز در صورت احراز شرایط سرقت از حرز (ارزش آن معادل چهار دینار و یا بیشتر و همچنین سرقت از حرز) موجب ثبوت حد قطع ید می گردد. (شیخ طوسی، خلاف، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۱) به دلیل:

۱- آیه ۳۸ سوره مائده: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

ترجمه: دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست.

۲- روایاتی که دلالت بر قطع ید در صورت سرقتی مالی که ارزش آن معادل چهار دینار و یا بیشتر دارد.

### نتیجه گیری

با بررسی های صورت گرفته نتیجه گرفته می شود:

- ۱- ملاک تشخیص حرز به عرف واگذار شده است و عرف نیز مکان خاصی را برای حرز اموال مشخص نکرده است، بلکه برای هر مالی حرز خاصی قائل است.
- ۲- موارد تفصیلی مصادیق سرقت از حرز: الف) سرقت از جیب رویین، سرقت از حرز محسوب نمی شود؛ اما سرقت از جیب داخل، سرقت از حرز محسوب می شود. ب) سرقت از میوه داخل صندوق سرقت از حرز محسوب می شود، سرقت از میوه روی درخت در باغ محصور و به طریق اولی از باغ غیرمحصور سرقت از حرز محسوب نمی گردد.
- ۳- موارد غیر سرقت از حرز: الف) سرقت از اماکن عمومی چون مسجد، حمام، کاروان سراها، مترو و ... ب) سرقت شخص طلبکار به مقدار طلبش از اموال بدهکار ج) سرقت مال مستاجر توسط اجیر د) سرقت مال صاحب خانه توسط مهمان ص) سرقت والدین از فرزند
- ۴- موارد سرقت از حرز: الف) سرقت کفن و محتویات داخل قبر ب) سرقت زوج و زوجه از یکدیگر غیر از سرقت زوجه به اندازه نفقه خویش ج) سرقت مال موقوفه د) سرقت فرزندان از والدین
- ۵- در خصوص سرقت انسان و مجازات آن میان فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد.

### منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
- ✓ ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، المهدب، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ق.
- ✓ ابن حمزه، محمد بن علی، الوسيله الی نیل الفضیله، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، ۱۴۰۸ق.
- ✓ ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع الی علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۷ق.
- ✓ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ✓ ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۳ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، ارشاد الاذهان، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
- ✓ اسدی حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
- ✓ بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی، السنن الکبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ق.

3RD NATIONAL CONFERENCE ON JURISPRUDENCE, LAW AND ISLAMIC SCIENCES

- ✓ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- ✓ حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
- ✓ خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، ۱۴۲۷ق.
- ✓ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن الخلاف، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ۱۳۸۷ق.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- ✓ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ اول، منشورات دار الرضی، قم، بی تا.
- ✓ محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، بی جا، قم، بی تا.
- ✓ مفید، محمد بن محمد، المقنعة، چاپ اول، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، قم، ۱۴۱۳ق.
- ✓ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.